

رابطه حزب‌الله و ایران: گروه نیابتی نه شریک سیاسی

به قلم [حنین غدار](#) (fa/experts/hnyn-ghdar-0/)

۱۲ آوریل ۲۰۱۹

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/hezbollah-iran-dynamics-proxy-not-partner

العربية (/ar/policy-analysis/aldynamykyat-by-n-hzb-allh-wayran-wkalt-wlys-shrakt/)

درباره نویسنده



حنین غدار (fa/experts/hnyn-ghdar-0/)

حنین غدار هموند فریدمن در برنامه گدولد در انستیتو واشنگتن است که بر سیاست کشورهای عربی متمرکز است. در این برنامه، مطالعات او در حوزه سیاست‌های شیعیان در سرزمین شام است.



تحلیل کوتاه

با افزایش فشار آمریکا بر ایران بسیاری در بیروت و واشنگتن و اروپا مطرح خواهند کرد که گروه حزب‌الله هنوز یک بازیگر مستقل است اما شواهد گذشته و اخیر غیر از این را نشان می‌دهد.

در حالیکه تحریم‌های آمریکا علیه ایران و گروه‌های نیابتی‌اش افزایش می‌یابد، بحث‌های قدیمی در مورد ماهیت حزب‌الله که گروهی نیابتی است یا شریک سیاسی دوباره در بیروت و واشنگتن مطرح شده است. آیا واشنگتن باید این گروه را یک بازیگر لبنانی در نظر بگیرد یا شاخه‌ای از نیروی نظامی ایران

هنگام بازدید مایک پومپئو وزیر امور خارجه آمریکا از لبنان در ماه گذشته میشل عون رئیس‌جمهور لبنان و جبران باسیل وزیر خارجه این کشور حزب‌الله لبنان را یک حزب لبنانی غیرتروریست با پایگاهی مردمی معرفی کردند و گفتند که تحریم‌های آمریکا به اقتصاد لبنان ضربه می‌زند. گروهی از تحلیلگران مستقر در واشنگتن نیز در یکی از مقاله‌های اخیر *فارین پالیسی* مدعی‌اند که نقش حزب‌الله به عنوان یک گروه نیابتی مشخصا ایرانی «تصور غلط رایجی است که هم تهران و هم واشنگتن آن را تبلیغ می‌کنند». اما این ادعا نافی واقعیت‌های تاریخی است که نشان‌دهنده ارتباط ارگانیک حزب‌الله با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است و می‌تواند به این سازمان تروریستی اجازه دهد که از تحریم‌ها و عواقب دیگر بگریزد.

شراکتی در کار نیست

رابطه حزب‌الله با ایران بنیادی‌تر از آن است که یک شراکت برابر حساب شود و مواردی در سابقه این گروه وجود دارد که نشان می‌دهد تهران یا مستقیما بر تصمیمات این گروه نفوذ داشته یا صریحا به آن دستورات خاصی داده است. مشارکت حزب‌الله در نبرد سال ۲۰۱۵ حلب را در نظر بگیرید. تا قبل از آن تاریخ این گروه دخالت خود در سوریه را به عنوان یک ضرورت برای حفظ مرزهای لبنان دهکده‌های شیعه‌نشین و زیارتگاه‌های شیعه توجیه می‌کرد. این منطق تا زمان دستور ایران به حزب‌الله برای جنگیدن در حلب قابل توجیه بود. اما حلب شهری است غیرشیعه و فاقد زیارتگاه که از مرز لبنان هم دور است. وقتی حزب‌الله تعداد زیادی از جنگجویانش را در نبرد حلب از دست داد نتوانست این ایثار را برای مردم لبنان از جمله جامعه شیعیان این کشور توجیه کند.

گروهی از جنگجویان و مقامات رسمی حزب‌الله در صحبت‌ها و مصاحبه‌های خصوصی خود ضمن تایید این موضوع که استقرار نیروها در حلب به دستور ایران بوده اشاره کردند که مصطفی بدرالدین فرمانده نظامی گروه در آن زمان در ابتدا با ارسال نیرو به حلب مخالفت

کرده بود. اکثر این مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بودند که قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بدرالدین را مجبور به این کار کرد و در نهایت باعث کشته شدن او در سال ۲۰۱۶ شد. پس از آن گفته می‌شود که سلیمانی رهبری چندین عملیات حزب‌الله را با دخالت در جزئی‌ترین نکات برعهده داشته است. یکی از جنگجویان در سال ۲۰۱۷ به نویسنده گفت: «برای خیلی از ما روشن است که اولویت (سلیمانی) حفاظت از ایرانی‌ها بود و (جنگجویان حزب‌الله و) همه غیرایرانی‌های (شیعه) می‌توانستند قربانی شوند.» گروهی دیگر از جنگجویان از این موضوع شکایت داشتند که متحدان ایرانی‌شان آنها را در میدان نبرد تنها می‌گذارند. چنین حوادثی ظاهراً منجر به تلفات زیادی در میان صفوف حزب‌الله شده و برخی از جنگجویان بعد از آن حاضر نشدند تحت فرماندهی ایرانی‌ها بجنگند.

علیرغم افزایش این ناراضی‌ها سلیمانی شکیبایی چندانی در مقابل اعتراض لبنانی‌ها نشان نداد. به گفته یکی از فرماندهان «وقتی شکایت‌ها افزایش یافت و رهبری حزب‌الله درخواست‌های سلیمانی برای ارسال جنگجویان بیشتر به حلب را نادیده گرفت او حقوق نیروهای حزب‌الله را برای مدت سه ماه و یا تا زمانی که حزب‌الله به خواسته او تن دهد قطع کرد.» با اینکه خیلی از مصاحبه‌شونده‌ها از او دل خوشی نداشتند با این حال به او احترام می‌گذاشتند و از او می‌ترسیدند و درک می‌کردند که این رابطه بیشتر شبیه رابطه رئیس و مرئوس است تا همکاری.

حزب‌الله علاوه بر جنگ در حلب به درخواست ایران در سال‌های اخیر در توطئه‌ها و حملات تروریستی در خارج از خاک لبنان

(<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/hezbollahs-international-presence-and-operations>) از

طریق یک واحد ویژه به نام «واحد عملیات فرامرزی» نقش داشته است. بسیاری از این توطئه‌ها در خدمت اهداف سیاست خارجی ایران بوده و به تصویر حزب‌الله به عنوان یک جنبش «مقاومت» لطمه زده است. اما این نوع تحرکات از روزهای اولیه شکل‌گیری حزب‌الله سابقه دارد یعنی زمانی که این گروه در سال ۱۹۸۳ به نیروهای چندملیتی آمریکا و فرانسه حمله کرد. از یک منظر انگیزه این حملات احساسات ملی‌گرایانه علیه اشغالگران خارجی و متکی به روایتی شبیه به «مقاومت» بود. اما مشارکت عمیق و اثبات‌شده نیروهای ایرانی در آن عملیات‌ها تصویر متفاوتی ارائه می‌کند. بر این اساس یکی از انگیزه‌های تهران اقدام تلافی‌جویانه علیه ایالات متحده به خاطر ضبط دارایی‌ها و اعمال تحریم تسلیحاتی بود و انگیزه اقدام علیه فرانسه ارائه پناهندگی به نخست وزیر سابق شاه پس از انقلاب ۱۹۷۹ (شاپور بختیار).

حزب‌الله همچنین در بین سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۹۱ به آدم‌ربایی‌های زیادی از خارجیان در لبنان اقدام کرد - سنتی که بعد از ربوده شدن چهار تن از کارکنان سفارت ایران در بیروت باب شد. این کارکنان وقتی که به شمال لبنان سفر می‌کردند به وسیله شبه‌نظامیان مسیحی ربوده شدند. در سال ۱۹۸۶ حزب‌الله به نیروهای پاسدار صلح فرانسوی در جنوب لبنان حمله کرد. فرناند ویبو سفیر سابق فرانسه در لبنان در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۰۵ درباره این حمله گفت که ایران مستاصانه سعی می‌کرد پاریس را وادار کند تا ارسال اسلحه به عراق را محدود سازد و مخالفان ایرانی را هم از فرانسه اخراج کند. بر این اساس ایران به حزب‌الله دستور داد که عوامل فرانسوی نیروی پاسدار صلح سازمان ملل در لبنان را هدف قرار دهد که نتیجه آن انصراف پاریس از همکاری با نیروهای سازمان ملل بود.

حضور اخیر حزب‌الله در یمن در جبهه شورشیان حوثی مورد حمایت ایران نمونه دیگری است که نشان می‌دهد این گروه چگونه می‌تواند به فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده منطقه‌ای کشانده شود که کاملاً بی‌ارتباط با سیاست‌های داخلی و امنیتی لبنان است. رسانه‌های مختلفی گزارش داده‌اند که جنگجویان حزب‌الله در عملیات یمن کشته شده‌اند و حسن نصرالله رهبر گروه حزب‌الله نیز در یک ویدیو که به صورت آنلاین منتشر شد (<https://www.youtube.com/watch?v=QVgyaPEj3tU>) حضور نیروهای حزب‌الله در یمن را تایید کرده است.

جابه‌جایی جمعیتی به دست ایران با نظر به لبنان

یکی از اهداف تهران در سوریه و عراق ایجاد پل زمینی بین ایران و قرارگاه نظامی حزب‌الله در جنوب لبنان و از این طریق با مرز لبنان-اسرائیل بوده است. حزب‌الله و حامیان آن بخشی جدایی‌ناپذیر از این برنامه بوده‌اند.

در سوریه این پل از ابوکمال در مرز عراق شروع می‌شود و از شمال غربی به دیرالزور و از آنجا به العلوی در ساحل مدیترانه و مرز لبنان می‌رسد. برای وصل کردن و تحکیم این گذرگاه‌ها ایران و حزب‌الله باید در برخی مناطق دست به جابه‌جایی جمعیتی متجاوزانه‌ای بزنند - یعنی سنی‌های سوریه را به سمت شمال و ادلب یا به سمت مرز لبنان برانند و در همین حال شیعیان سوری و خارجی را در زمین‌های این گذرگاه‌ها مستقر سازند. برای مثال شهر مرزی القصیر در سوریه امروز از سنی‌ها خالی شده و کاملاً در کنترل نیروهای حزب‌الله است.

حزب‌الله نیز به دنبال ایجاد تغییرات مشابهی در بخش‌هایی از لبنان بوده است. در اینجا تلاش‌های این گروه برای تثبیت پل زمینی ایران بر برقراری مجموعه‌ای از ارتباطات متمرکز بوده: بین جنوب لبنان و بیروت از طریق شهرهای سنی‌نشین ساحلی بین جنوب و دره بقاع از طریق شهرهای سنی و مسیحی‌نشین به طرف غرب و بین بقاع و ساحل از طریق نواحی دروزی در منطقه الشوف. طبق ادعای

مقالات منتشره در [وبسایت لبنانی](#) «جنوبیه»

تاسیس شده که چند نفر از آنها از طرف حکومت آمریکا برای فعالیت‌های مرتبط با حزب الله (<https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/pages/tg997.aspx>) تحت نظرند در تعدادی از پروژه‌های مسکونی مستقر در نواحی استراتژیک لبنان مشارکت داشته است ساکنان نواحی یادشده را معمولاً خانواده‌های شیعه تشکیل می‌دهند که مایل‌اند از جنوب و بقاع و ضاحیه به آپارتمان‌های نوساز و ارزان قیمت کوچ کنند همزمان اهالی شهرهای مزبور حزب الله را متهم می‌کنند که از این پروژه‌ها برای تقویت حضور نظامی خود و استخدام مردمان فقیر و بیکار سنی و مسیحی در گروه «سرایا المقاومه اللبنانیه» (گردان‌های مقاومت لبنان) استفاده می‌کند که یک گروه شبه‌نظامی غیرشیعه است و برای اجرای عملیات امنیتی داخلی و کنترل درگیری‌ها تاسیس شده است حزب الله همچنین از قرار معلوم به درخواست ایران سازه‌های مربوط به پروژه موشک‌های دقیق و سایر تاسیسات نظامی‌اش را به آن نواحی در لبنان منتقل می‌کند که پل زمینی محسوب می‌شود به‌ویژه در ناحیه دروز در الشوف و ناحیه سنی‌نشین در بقاع غربی گزارش‌های متعددی حاکی از این است که علی تاج‌الدین ممکن است در این کار دست داشته باشد چرا که او اخیراً بیش از سه میلیون مترمربع زمین در الدلمیه خریداری کرده است

نتیجه‌گیری

بسیاری در بیروت واشنگتن و اروپا هنوز بر این باورند که پیوند حزب الله با ایران یک همکاری استراتژیک است و این گروه بیشتر به تهران متکی است تا به آن وابسته باشد اما دامنه تصمیم‌گیری مستقلانه حزب الله همواره محدود بوده و با رویکرد مداخله‌جویانه سلیمانی به سرعت در حال زوال است درباره مسائل مربوط به فعالیت‌های سیاسی لبنان ایران هنوز نصرالله و چند تن دیگر از مقامات رسمی ارشد حزب الله را به عنوان مشاوران قابل اتکا در نظر می‌گیرد اما هیچ یک از آنها در نهایت در مورد مسائل مهم تصمیم‌گیرنده نیستند با شدت گرفتن حملات لفظی آمریکا علیه ایران بی‌تردید ادعاهای زیادی مطرح خواهد شد که ایران و حزب الله از هم متمایزند اما شواهد گذشته و تازه خلاف این ادعاها را نشان می‌دهد چنانکه خود نصرالله بی‌هیچ شرمی در گذشته گفته است که «من افتخار می‌کنم که عضوی از اعضای حزب ولایت فقیه باشم» و این یکی از معدود مواردی است که او در ملاً عام بر تمکین کامل گروهش به اراده رهبر ایران صحه گذاشته است

*حنین غدار هموندعهمان فریدمن در برنامه گدولد انستیتو واشنگتن درباره سیاست جهان عرب است ❖

RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

فوریه ۲۰۲۲

Farzin Nadimi

(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology)



BRIEF ANALYSIS

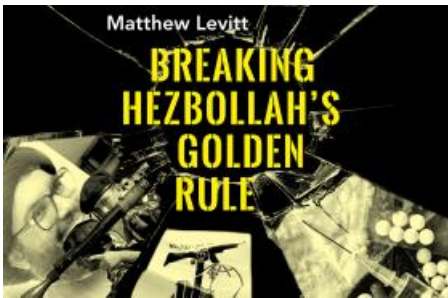
Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

۱۱ فوریه ۲۰۲۲



Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

۹ فوریه ۲۰۲۲



Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/\)](#) نظامی و امنیتی

[\(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/\)](#) عرب و اسلام سیاسی

[\(fa/policy-analysis/trwrysm/\)](#) تروریسم

REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/swryh/\)](#) سوریه

[\(fa/policy-analysis/lbnan/\)](#) لبنان

[\(fa/policy-analysis/ayran/\)](#) ایران